

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۵/۱۵

موضوع: فضای مجازی، بستری مناسب برای تبلیغ ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

(سخنرانی در مسجد جامع صاحب الزمان، ورامین)

فهرست موضوعات این سخنرانی:

ولایت و امامت اهل بیت، از مسائل اساسی معارف دینی

«غدیر»، آخرین مرحله تلاش پیامبر برای ولایت امیرالمؤمنین!

سابقه و پیشینه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

فرجام و نتیجه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

روزی محرم هر کسی را در غدیر تقسیم می کنند!

«فضای مجازی»، بستر تهدید یا بستر فرصت؟!

اسلام بدون ولایت، اسلام نیست!

کار برای امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، هم دنیا دارد، هم آخرت

فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، بزرگ مدافع حریم ولایت

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظیم حسبنا الله و نعم

الوکیل نعم المولی و نعم النصیر توکلت علی الحی الذی لا یموت و استعنت بذی العزة و القدرة و الجبروت.

ثم الصلاة و السلام على سيدنا و سيد الأولين الآخرين حبيبنا و حبيب اله العالمين ألقى سمي في السماء بأحمد و في الأرض بأبي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) لا سيما مولانا و سيدنا حجة بن الحسن روى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء و بعد قال الحكيم:

(يا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (5): آیه 67

در ایام دهه ولایت و به استقبال عید غدیر خم، عید ولایت و امامت هستیم و این ایام مبارک را به همه شما عزیزان و گرامیان تبریک عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی صاحب ولایت سوگند می‌دهیم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار بدهد؛ ان شاءالله.

ولایت و امامت اهل بیت، از مسائل اساسی معارف دینی

مسئله ولایت و امامت اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه قضیه غدیر از مسائل مهم و اساسی معارف علمی است. در روایات متعدد از ائمه اطهار (علیهم السلام) با تعابیر مختلف آمده است:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ»

اساس اسلام روی پنج ستون استوار شده است؛ نماز و زکات و روزه و حج و ولایت.

«وَلَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

و هیچکدام از این موارد اهمیت ولایت را ندارند.

«فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكَوا هَذِهِ يَغْنِي الْوَلَايَةَ»

مردم چهار مورد اول را گرفتند و مورد پنجم یعنی ولایت را رها کردند.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۸، ح ۳

ولایت از نماز و روزه و زکات و حج اهمیت بیشتری دارد، اما مردم به چهار مورد اول اهمیت بیشتری می‌دهند و به ولایت اهمیت نمی‌دهند. «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۱۸ پانزده روایت در این زمینه از ائمه اطهار نقل کرده است.

این روایت اختصاص به شیعه ندارد، بلکه بزرگان اهل سنت هم به همین مضمون روایاتی نقل کرده‌اند هرچند به آن عمل نکردند. «محمد کردعلی» یکی از علمای بزرگ و سرشناس عراق است که تألیفات زیادی دارد که یکی از تألیفات برجسته او «خطط الشام» است.

ایشان در جلد ششم صفحه ۲۴۵ از «ابو سعید خدری» صحابه پیغمبر اکرم که هم شیعه و هم اهل سنت او را قبول دارند، روایتی نقل کرده است. او می‌نویسد:

«أمر الناس بخمس فعلموا بأربع وتركوا واحدة»

مردم به پنج دسته مأمورند که چهار مورد را گرفتند و یکی را رها کردند.

«ولما سئل عن الأربع قال: الصلاة والزكاة وصوم شهر رمضان والحج»

وقتی سؤال شد آن چهار مورد چیست؟ گفت: نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حج.

«قيل: فما الواحد التي تركوها؟»

گفتند موردی که مردم آن را ترک کردند کدام است؟

«قال: ولاية علي بن أبي طالب»

گفت: ولایت علی بن ابی طالب.

سپس می نویسد:

«قيل له: وإنما لمفروضة معهن قال: هي مفروضة معهن»

خط الشام، المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمد، كُرد على (المتوفى: ۱۳۷۲ هـ)، الناشر: مكتبة

النوري، دمشق، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م، ج ۶، ص ۲۴۵، باب الشيعة

خیلی جالب است علی رغم اینکه دشمنان اهل بیت تمام تلاش خود را به کار بردند تا آثار اهل بیت را محو کنند،

ناقلین فضائل اهل بیت را زندانی و شکنجه کنند و به دار بزنند؛ با تمام این احوالات شاید اگر بگوییم فضائل و

حقانیت امیرالمؤمنین در کتب اهل سنت درخشان تر و روشن تر از کتب شیعه آمده است، گزاف نگفته ایم.

در کتاب دیگری از اهل سنت به نام «مناقب علی بن ابی طالب» اثر «ابن مردویه» صفحه ۷۲ همین روایت از

«ابو سعید خدری» نقل شده است. از او سؤال می کنند:

«فما الواحدة التي تركوها؟»

واجبی که مردم آن را ترک کردند کدام است؟

«قال: ولاية علي بن أبي طالب»

او گفت: ولایت علی بن ابی طالب.

«وإنها مفترضة معهن؟»

آیا ولایت علی بن ابی طالب در ردیف سایر فرایض واجب است؟

«قال: نعم»

گفت: بله.

«قال: فقد كفر الناس!!»

پرسید: با رها کردن ولایت مردم کافر شدند!!

«قال: فما ذنبي!»

گفت: گناه من چیست!

مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)، نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه

الأصفهانی، تحقیق: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، چاپ: الثانية، سال چاپ: ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲ ش،

چاپخانه: دار الحديث، ص ۷۲، ح ۴۸

طبق این روایت «ابو سعید خدری» می‌گوید: "به من چه ارتباطی دارد؟ ما موظف هستیم سخن پیغمبر اکرم را

برای مردم بگوییم". این قضیه اهتمام رسول گرامی اسلام به موضوع ولایت را نشان می‌دهد.

## «غدير»، آخرین مرحله تلاش پیامبر برای ولایت امیرالمؤمنین!

البته ما موضوع ولایت را عمدتاً از غدير فراگرفتيم و بر اين باور هستيم كه ولایت علی بن ابی طالب در سال دهم هجرت در منطقه‌ای به نام غدير مطرح شده است، حال آنکه قضیه ولایت امیرالمؤمنین بسیار فراتر از غدير است.

غدير در حقیقت آخرین مرحله تلاش رسول گرامی اسلام برای ولایت علی بن ابی طالب بوده است. شما به کتب اهل سنت مراجعه کنید. «طبری» علی رغم اینکه شخص مبغضی است و بسیاری از قضایا را زیرچشمی رد می‌کند و می‌گوید: من دوست ندارم بسیاری از مطالب را نقل کنم، زیرا مردم دوست ندارند بسیاری از مطالب نقل شود.

او قضیه ولایت امیرالمؤمنین را در اولین روز اعلان رسالت پیغمبر اکرم یعنی سال سوم بعثت نقل می‌کند. رسالت پیغمبر اکرم سه سال مخفیانه بود، اما بعد از نزول آیه شریفه:

**(وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ)**

خویشاوندان نزدیکت را انذار کن.

**سوره شعراء (۲۶): آیه ۲۱۴**

مأمور می‌شود رسالت خود را علنی کند و یک جمع چهل نفره قریش اولین جلسه اعلان رسالت و نبوت است و اولین جلسه خط بطلان بر کفر و نفاق است. رسول اکرم در آن جلسه سه مسئله را مطرح می‌فرمایند.

مسئله اول این است که من از طرف خداوند عالم برای نجات شما مبعوث شدم. مسئله دوم این است که از بت پرستی دست بردارید و به خداپرستی روی آورید. مسئله سوم این بود که حضرت روی شانه امیرالمؤمنین دست گذاشتند و فرمودند:

«أدعوكم إليه فأیکم يؤازرنی علی هذا الأمر علی أن یکون أخی ووصیی وخلیفتی فیکم»

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت،

ج ۱، ص ۵۴۲، باب ذکر الخبر عما کان من أمر نبی الله عند ابتداء الله ذکره إیاه

این روایت در کتاب «طبری» با سند صحیح و معتبر از دیدگاه اهل سنت بیان شده است.

سابقه و پیشینه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

من می‌خواهم عرض کنم قضیه ولایت علی بن ابی طالب در عالم دنیا و ناسوت به این شکل است، اما سابقه و پیشینه بسیار قدیمی‌تر و عقبه طولانی‌تری دارد.

روایاتی که در کتب اهل سنت در این زمینه نقل شده است، یکی از معجزات اهل بیت است. «ابن عساکر» یکی از علمای بزرگ و از استوانه‌های اهل سنت و متوفای ۵۷۱ هجری است. او کتابی به نام «تاریخ دمشق» دارد که ۸۰ جلد است.

او در جلد ۴۲ صفحه ۲۴۱ روایتی را نقل می‌کند که در ذیل آیه ۴۵ سوره زخرف آمده است. خداوند متعال می‌فرماید:

(وَ سَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

از رسولانی که قبل از تو فرستادیم بپرس.

سوره زخرف (۴۳): آیه ۴۵

این اولین سؤالی است که در ذهن هرکسی ایجاد می‌شود. رسول اکرم در زمانی به دنیا آمده است که هیچکدام از پیامبران در قید حیات نیستند. فاصله پیغمبر اکرم با حضرت عیسی بیش از دویست و اندی سال است. این آیه چه پیامی دارد؟!

آقای «ابن عساکر» در کتاب «تاریخ دمشق» جلد ۴۲ صفحه ۲۴۱ با سند صحیح می‌گوید: این آیه مربوط به معراج است. رسول اکرم در معراج انبیاء را دید و خطاب آمد:

**(وَ سَأَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)**

از رسولانی که قبل از تو فرستادیم پرس.

**«علی ما بعثوا»**

هدف بعثت شما چه بوده است؟

در این آیه شریفه فرموده شد که از انبیاء گذشته پرس: مقصود نهایی شما چه بوده است؟ مأموریت اولین و آخرین شما چه بوده است؟

**«قال علی ولایتک و ولایة علی بن أبی طالب»**

همه پیامبران گفتند: سرلوحه همه انبیاء ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب بوده است.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها وتسمیة من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۲۴۱، ح ۹۵۱۹



قضیه، قضیه‌ای نیست که ما ادعا کنیم پیغمبر اکرم در جمع چهل نفره یا جنگ تبوک یا جنگ احزاب یا در حدیث دار، امیرالمؤمنین را معرفی کرده است. این موارد همگی اینطرف سکه است. آنطرف سکه همگی مربوط به عالم زر و عالم بالا و عالم انبیاء است.

همین شخص بازهم نقل می‌کند و می‌نویسد که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

« كنت أنا وعلي نورا بين يدي الله مطيعا يسبح الله ذلك النور ويقدسه قبل أن يخلق ادم بأربعة عشر ألف

عام

خداوند نور من و نور علی را چهارده هزار سال قبل از آنکه آدم را بیافریند، آفریده بود.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبو القاسم علی بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۶۷

همچنانکه در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُخَدِّقِينَ»

خداوند شما را انواری آفرید که در گرداگرد عرش الهی مشغول تسبیح و تقدیس الهی بودید.

«فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ»

خداوند برای نجات ما شما انوار را در جسم ناسوتی قرار داد که ما را هدایت کنید.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۳۲۱۳، ح ۶۱۳

امام خمینی (قدس الله نفسه الزكية) کتابی به نام «مصباح الهداية الى الخلافة و الولاية» دارند که بنده معتقدم در طول این چهارده قرن در معرفی ائمه اطهار کتابی به وزانت، دقت و عمق این کتاب نوشته نشده است.

امام خمینی خودشان متذکر می‌شوند که راضی نیستم کسانی که فلسفه و عرفان خواندند، این کتاب را بخوانند. به حق این کتاب بسیار عمیق است، به طوری که افرادی هم که فلسفه و عرفان خواندند در بسیاری از مسائل در فهم کلمات امام دچار مشکل هستند. یکی از علما این کتاب را ترجمه کرده، اما ترجمه ایشان هم ترجمه دیگری نیاز دارد. ایشان در آخر کتاب، روایتی را تحت عنوان حدیث رضوی نقل می‌کند که از امام رضا نقل شده است که امیرالمؤمنین از پیامبر سؤال می‌کند:

**«يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ جِبْرَائِيلُ»**

حضرت می‌فرماید:

**« يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ فَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَ لِلْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِكَ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَامُنَا وَ خُدَامُ مُجِبِّيْنَا»**

ملائکه خدام ما و خدام شیعیان ما هستند.

حضرت سپس پرده را بالا می‌زند و می‌فرماید: خداوند عالم ما را آفرید قبل از آنکه عرش بیافریند، قبل از اینکه عالم هستی را بیافریند، قبل از اینکه حضرت آدم و انبیاء الهی و دیگران را بیافریند. ما مشغول تسبیح الهی بودیم که خداوند به برکت ما ملائکه مقرب را آفرید.

**«فَكَيْفَ لَا نَكُونُ أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ قَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَةِ رَبِّنَا وَ تَسْبِيحِهِ وَ تَهْلِيلِهِ وَ تَقْدِيسِهِ»**

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل وقتی به نور ما نگاه کردند، دچار شبهه شدند و تصور کردند آفریننده آنها ما هستیم. اولین بار ما در عالم بالا دانشگاه خدانشناسی تأسیس کردیم که دانشجویان ما ملائکه مقرب الهی بودند.

« فَسَبِّحْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّا خَلَقْنَا مَخْلُوقُونَ وَ أَنَّهُ مُنَزَّةٌ عَنْ صِفَاتِنَا فَسَبِّحَتِ الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا وَ نَزَّهَتْهُ

عَنْ صِفَاتِنَا فَلَمَّا شَاهَدُوا عِظَمَ شَأْنِنَا هَلَّلْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّا عَبِيدٌ وَ لَسْنَا بِآلِهِ»

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، نشر جهان،

ج ۱، ص: ۲۶۲

می فرماید: ما لا اله الا الله گفتن را به جبرئیل و میکائیل آموزش دادیم. ما طریق حمد و ستایش الهی را به ملائکه مقرب آموزش دادیم. ما به ملائکه گفتیم که چطور خدا را تسبیح کنید.

مرحوم امام خمینی حدود دوازده صفحه ذیل این حدیث توضیح دادند، به طوری که انسان با مطالعه آن به پرواز درمی آید. امام شناسی باید امام شناسی درست و حسابی باشد. غالب روایاتی که ما داریم، در منابع اهل سنت هم به همین شکل آمده است.

بنابراین قضیه امامت و ولایت امیرالمؤمنین مربوط به این دنیا نیست. اگر بخواهیم پیشینه ولایت را بدانیم باید برگردیم به عالم زر و عالم نور و عالم خلقت.

**فرجام و نتیجه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)**

حال فرجام ولایت چیست؟! بازهم به سراغ علمای اهل سنت می رویم. «آلوسی» شخصی سلفی و وهابی و یکی از علمای قرن سیزدهم هجری متوفای ۱۲۷۰ هجری است. او کتابی به نام «روح المعانی» در تفسیر قرآن کریم دارد که در ذیل آیه ۲۴ سوره مبارکه صافات:

**(وَ قَفُوهُمْ إِتِّهْمَ مَسْئُولُونَ)**

آن‌ها را متوقف سازید که باید بازپرسی شوند.

سوره صافات (۳۷): آیه ۲۴

چند احتمال می‌دهد که مراد از (وَ قَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) چیست، سپس می‌نویسد:

«أن السؤال عن العقائد والأعمال ورأس ذلك لا إله إلا الله ومن أجله ولاية على كرم الله تعالى وجهه»

سؤال از عقاید و اعمال است و رأس عقاید و اعمال لا إله إلا الله است و از اجل آن ولایت علی بن ابی طالب است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۲۳، ص ۸۰، باب الصافات: (۲۴) وقفوهم إنهم مسؤولون

آن پیشینه ولایت بود و این هم فرجام ولایت است. شیعه! سر خود را بلند کن و به شیعه بودن خود افتخار کن و شبانه روز در سجده برای نعمت ولایت شکر به جای بیاور!

من بارها گفتم اگر خداوند عالم از اول تا آخر دنیا به ما عمر بدهد که یک سجده شکر برای نعمت ولایت انجام بدهیم، باز هم نتوانسته‌ایم حق شکر نعمت ولایت را به جای آوریم. خداوند عالم نعمتی در اختیار ما شیعیان قرار داده که قدر آن را نمی‌دانیم، همانند ماهی که در درون دریا قدر آب را نمی‌داند.

امام صادق (علیه السلام) و تعدادی از اصحاب از جمله «ابوبصیر» و «زراره» نشسته بودند که حضرت فرمود: شما قدر نعمت ولایت را نمی‌دانید. زمانی که جان به حنجره رسید، می‌بینید. «ابوبصیر» و دیگران به حضرت اصرار کردند که حضرت بفرمایند در آن لحظه چه می‌بینیم، اما حضرت چیزی نفرمودند. ظاهراً در مجلس بیگانه‌ای بود و زمانی که مجلس از اغیار خالی شد. ما عرض کردیم: زمانی که جان به گلوگاه رسید، چه می‌بینیم؟ امام صادق عرضه داشتند:

## «فَيَجِلسُ رَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ عَلِيٌّ عِنْدَ رِجْلَيْهِ»

زمانی که جان به گلوگاه رسید رسول اکرم بالای سر شما خواهد نشست و علی بن ابی طالب هم پایین پای شما خواهند نشست.

پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین به شما بشارت می‌دهند و می‌فرمایند: بشارت باد بر تو که عذاب قبری بر تو نیست و مشکلات فشار قبری بر تو نیست و در قیامت جز روضه رضوان چیز دیگری نخواهید دید. شیعه تعجب می‌کند که قضیه چیست و حضرت می‌فرماید:

## «يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبْشِرْ أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتَ تُجِبُّهُ أَمَا لَأَنْفَعَنَّكَ»

ای ولی خدا بر تو بشارت باد که من علی بن ابی طالب هستم، همان کسی که بر او محبت داشتی.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۳،

ص ۱۲۹، ح ۱

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) همان کسی است که در بچگی وقتی می‌خواستید بر زمین بیفتید، مادرتان «یا علی» گفت و شما را بلند کرد. وقتی مادرتان می‌خواست به شما شیر بدهد، «یا علی» می‌گفت. وقتی تکان می‌خوردید، «یا علی» می‌گفتید.

نتیجه عمری «یا علی» گفتن آنجاست و آنجا معلوم می‌شود که قضیه چیست. به قول معروف جوجه را آخر پاییز می‌شمارند! ما قدر ولایت را آنجا می‌فهمیم.

وقتی که چشمان ما به جمال نورانی امیرالمؤمنین می‌افتد، تمام خستگی‌های دنیا از تنمان بیرون می‌رود و تمام مشکلات دنیا از بین می‌رود. حضرت به «حارث همدانی» فرمودند:

«يا حارِ هَمْدانَ مَنْ يَمُتُ يَرْنِي»

ای حار همدان هرکسی موقع جان دادن مرا می بیند.

«مِنْ مُؤْمِنٍ أَوْ مُنَافِقٍ قَبْلًا»

چه مؤمن باشد و چه منافق باشد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶، ص

۱۸۰، ح ۷

منافق در لحظه جان دادن با دیدن امیرالمؤمنین خجالت زده و شرمنده می شود، اما شیعه سربلند می شود. شاعر در جواب می گوید:

ای که گفתי فمن یمت یرنی

جان فدای کلام دلجویت

کاش روزی هزار مرتبه من

مردمی تا بدیدمی رویت

علی بن ابی طالب این است و ولایت آن بزرگوار همین است. معنای روایت «وَلَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ» همین است.

روزی محرم هر کسی را در غدیر تقسیم می کنند!

عزیزان غدیر در پیش است. تلاش کنید غدیر را احیا کنید. اگر عاشورا این اتفاق افتاد، به این خاطر بود که ما از غدیر محافظت نکردیم و غدیر را فراموش کردیم. حادثه عاشورا نتیجه فراموش کردن غدیر بود. حادثه تیرباران

شدن جنازه امام حسن مجتبی نتیجه فراموشی غدیر است. اسارت رفتن آل الله نتیجه فراموش شدن غدیر است.

به قول یکی از اعظم، خداوند عالم روزی محرم را در غدیر تقسیم می‌کند. اگر کسی در غدیر کم گذاشت، در محرم برای او کم می‌گذارند. اگر کسی در غدیر کوتاه آمد، در محرم و صفر برای او کوتاه می‌آیند.

بینید غدیر را چطور می‌خواهید احیا کنید. در غدیر چقدر می‌خواهید شیعه بودن خود را به امیرالمؤمنین نشان بدهید. شیرینی پخش کردن، ایستگاه صلواتی تأسیس کردن، احسان کردن اقداماتی است، اما نشر معارف دینی، بالاترین مسئله در غدیر است. ما باید بتوانیم فرهنگ غدیر و پیام غدیری را به جامعه برسانیم.

### «فضای مجازی»، بستر تهدید یا بستر فرصت!؟

من از جوانان عزیز که در فضای مجازی هستند، درخواست می‌کنم ورود پیدا کنند و ندای غدیری و پیام غدیر را در فضای مجازی منتشر کنند. گذشت آن زمانی که ما تنها در مساجد و حسینیه‌ها و تکایا یا هیئات عزاداری از امام حسین حرف بزیم یا در جلسات شادی‌ها از امیرالمؤمنین سخن بگوییم.

امروزه فضای مجازی بستر مبارکی برای ماست. این بستری که آن را به تهدید تبدیل کرده‌اند، به فرصت مبدل کنیم. شخصی در فضای مجازی در اینترنت یا فیسبوک یا دیگر برنامه‌های شبکه‌های اجتماعی مطلبی می‌گذارد و می‌بیند در عرض یک هفته چنین هزار نفر از آن مطلب بازدید کرده‌اند.

نماینده مجلس هلند فیلم فتنه‌ای ساخت و علی رغم اینکه دولت هلند آن را ممنوع کرده بود، او آن را تنها بیست و چهار ساعت در فضای مجازی و سایبری گذاشت. تنها در طول همین بیست و چهار ساعت هفت میلیون نفر از این فیلم دیدن کردند.

این بستری که امروز برای ما به فتنه تبدیل شده است، دست به دست هم بدهیم و به فرصت مبدل کنیم. آن دسته از عزیزانی که واقعاً در فضای مجازی هستید، این بستر فتنه را به بستر فرصت تبدیل کنید.

در فضای مجازی ورود پیدا کنید و با سلفی‌هایی که فضای مجازی را جولانگاه خودشان قرار دادند مبارزه کنید. به تعبیر مقام معظم رهبری فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است. تنها به اینکه به مسجد بیاییم و جلسات غدیر و سیزده رجب برگزار کنیم اکتفا نکنید.

امروز باید ندای غدیر ندای جهانی باشد و باید پیام غدیر را به پیام جهانی تبدیل کنیم. بچه شیعه‌ها، بچه سنی‌ها، بچه وهابی‌ها و دیگران باید این پیام‌ها را ببینند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ أَحْيَا مُؤْمِنًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۲۰۴، ح ۲۰

اگر شما یک نفر را نجات بدهید، گویا تمام مردم را نجات دادید. لذا امروز، روز آرام نشستن نیست. مگر می‌شود شیعه علی آرام بنشیند؟

عزیزان! این مذهب به سادگی به دست من و شما نیامده است که به سادگی از کنار آن رد شویم. این مذهب از میان شکنجه و خون به دست ما رسیده است.

امثال حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در پشت دیوار زجر کشیدند، پهلوی مبارکشان شکست و سینه حضرت زخمی شد. به تعبیری شعله‌های آتش صورت حضرت صدیقه طاهره را سوزاند.

امثال «حجر بن عدی» در بیابان‌ها مظلومانه و تشنه قطعه قطعه شدند تا این مذهب به دست من و شما رسید.

امثال «رشید حجری» به قدری علی علی گفت تا زبان او را قطع کردند.



امثال «میثم تمار» را بالای دار زدند و دست و پای او را بریدند. دوستان کسی که دست و پای او را قطع کنند چه حالی دارد؟! خون از دست و پای او فواره می‌زد، اما او همان جا بالای دار فریاد می‌زد: "ای مردم! من از علی بن ابی طالب احادیث زیادی شنیدم و سخنان زیادی دارم. فتنه‌هایی که تا قیامت از برپا می‌شود را از امیرالمؤمنین شنیدم. اطراف من بیاید تا چند روایت در فضیلت و حقانیت حضرت برایتان بگویم."

«حجاج بن یوسف» دستور داد زبان «میثم تمار» را هم ببرند تا نتواند از حضرت برای ما بگوید. عزیزان این مذهب این چنین به دست ما رسیده است.

اگر کوتاه آمدیم و فتنه‌گران عقاید جوانان ما را متزلزل کردند، فردای قیامت پاسخ حضرت صدیقه طاهره را نمی‌توانیم بدهیم. والله فردای قیامت نمی‌توانیم جواب امیرالمؤمنین را بدهیم. والله نسل‌های آینده به ما لعن و نفرین می‌کنند.

بنابراین ما باید امروز با تمام توان در میدان حاضر باشیم و از تمام امکانات مدرن روز و همه ظرفیت‌ها برای نشر فرهنگ ولایت استفاده کنیم.

**اسلام بدون ولایت، اسلام نیست!**

اگر ولایت نباشد، دین معنا ندارد. اگر ولایت نباشد، اسلام معنا ندارد. خداوند عالم در آیه سوم از سوره مبارکه مائده قضیه را بسیار واضح بیان می‌کند و می‌فرماید:

**(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي)**

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم.

ما در کتب شیعه نزدیک شصت روایت داریم که این آیه در روز غدیر خم نازل شده است. همچنین در کتب اهل سنت بیست و هشت روایت داریم که آیه اکمال روز عید غدیر نازل شده است.

«خطیب بغدادی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت در کتاب «تاریخ بغداد» جلد ۸ صفحه ۲۸۹ با سند صحیح از «ابوهریره» نقل می‌کند که این آیه عید غدیر نازل شده است. بعد از نزول آیه مردم دوشادوش بعضی از خلفای اهل سنت به امیرالمؤمنین تبریک گفتند.

خداوند متعال می‌فرماید: امروز دین شما را کامل کردم! این آیه شریفه مربوط به سال دهم هجری است، بعد از آنکه پیغمبر اکرم بیست و دو سال زحمت کشیدند.

خداوند متعال می‌فرماید: در طول بیست و دو سال هنوز دین کامل نشده است و من امروز دین شما را کامل می‌کنم. خداوند در ادامه می‌فرماید:

**(وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)**

و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

**سوره مائده (۵): آیه ۳**

اسلام منهای ولایت اسلام نیست. اسلام منهای ولایت، اسلامی که خداوند متعال راضی باشد نیست. اسلام منهای ولایت، اسلامی که پیغمبر اکرم راضی باشد نیست. این منطبق قرآن کریم است و حدیث نیست.

سوره مائده آخرین سوره‌ای است که بر پیغمبر اکرم نازل شده است و شیعه و سنی معتقدند هیچگونه نسخی بر آیات آن وارد نشده است.

**(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)**

خداوند متعال با این حدّت و شدت چه فرمایشی دارند؟ شما از اول تا آخر قرآن کریم تنها یک آیه دارید که خداوند متعال این چنین پیغمبر اکرم را تهدید می‌کند که اگر این وظیفه انجام نشود، زحمات بیست و دو سال به هدر رفته و به ثمر ننشسته است.

آیا این دستور در مورد نماز و روزه و حج و زکات است؟ این امور قبل از حجة الوداع هم بر مسلمانان واجب بود. مردم در حجة الوداع در رکاب پیغمبر اکرم حج انجام دادند و نماز خواندند. مردم قبل از این روزه گرفتند و حج انجام دادند و زکات دادند. تمام این مسائل وجود داشت.

آن مورد کدام است که خداوند متعال به حضرت می‌فرماید اگر آن را ابلاغ نکنی رسالت ناتمام است؟ شما در این زمینه به کتب اهل سنت مراجعه کنید.

بنده بارها گفتم که تمام کتب شیعه را در دریا بریزند یا با یک دستمال الکترونیکی ذهن شیعه را پاک کنند و تنها ما باشیم و کتب اهل سنت. در رابطه با حقانیت امیرالمؤمنین به اندازه فوق کافی در کتب اهل سنت مطلب داریم.

«آلوسی» شخصی سلفی و وهابی است و با شیعه عداوت دارد. او از «عبدالله بن مسعود» مفسر عصر صحابه روایتی نقل می‌کند و می‌نویسد:

**«کنا نقرأ علی عهد رسول الله یاأیها الرسول بلغ ماأنزل الیک من ربک إن علیا ولی المؤمنین وإن لم تفعل فما بلغت رسالته»**

ما همگی در زمان پیغمبر اکرم این آیه را چنین می‌خواندیم: ای پیغمبر! به مردم بگو که علی ولی امر مؤمنین است و اگر ولایت علی معرفی نشود رسالت تو ناتمام است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 6، ص 193، باب المائدة: (67) یا أیها الرسول... ..

من در جلسه‌ای که قبلاً داشتیم برای عزیزان روحانی عرض کردم عرب کلمه «کان» را در جایی استعمال می‌کند که دلیل بر استمرار است، به معنای اینکه این قضیه همیشه بوده است!

این آیه نشانگر این است که بحث ولایت بسیار بالاتر از این است که ما تصور می‌کنیم. بنابراین من از همه عزیزان درخواست می‌کنم قضیه غدیر و ولایت را جدی بگیرند و با تمام توان در صحنه حضور پیدا کنند. دوستان عزیز من بارها گفتم پیغمبر اکرم در غدیر فرمودند:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۱، ص ۵۵، ح ۲۰

قطعاً دعای پیغمبر اکرم به اجابت رسیده است. من معتقدم اگر هرکسی به هر نیتی برای امیرالمؤمنین کار کند، علی بن ابی طالب کار او را بی‌پاداش نمی‌گذارد. اگر حتی یک ناصبی برای علی کار کند، خداوند عالم ولو در دنیا باشد، پاداش آن ناصبی را می‌دهد.

کار برای امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، هم دنیا دارد، هم آخرت

دوستانی که در شبکه‌های ماهواره‌ای بیننده برنامه‌های ما بودند، می‌دانند و من بارها گفتم مرحوم آیت الله عراقی در کتاب خود می‌نویسند: در نجف تاجری ناصبی بود که نسبت به امیرالمؤمنین کلمات زشتی به کار می‌برد.

پیشکار و خدمتکاری داشت که شیعه بود و بسیار زجر می‌کشید. این شخص بارها به صاحبکار خود گوشزد می‌کرد، اما او گوش نمی‌داد. یک شب پیشکار عصبانی شد و گفت: من امشب به حرم حضرت امیرالمؤمنین می‌روم و از حضرت می‌خواهم ریشه عمر تو را قطع کند.

صاحبکار گفت: برو ببینم چه غلطی می‌کنی! پیشکار می‌گوید: من به حرم رفتم و خیلی گریه کردم. در همان احوال به خواب رفتم و در خواب امیرالمؤمنین را دیدم.

از خود بی‌خود شدم و خود را به دست و پاهای حضرت انداختم و با خود گفتم: حال که امیرالمؤمنین را دیدم، به معدن کرم و سخاوت و بزرگواری رسیدم بگذار مشکلات خود را هم بگویم.

پیشکار می‌گوید که به حضرت عرضه داشتم: یا علی! من سه حاجت از تو دارم؛ حاجت اول من این است که رشته عمر ارباب من قطع شود. او به قدری نسبت به شما جسارت می‌کند که قلب من به درد می‌آید و دیگر طاقت توهین‌های او را ندارم.

حاجت دوم من این است که امکاناتی فراهم کنید تا من هم در کار مستقل شوم، زیرا ۳۵ سال است نوکری کرده‌ام. حاجت سوم من این است که سنم بالا رفته است، اما همسر ندارم. عنایتی کنید و دختر صالحه‌ای سر راهم قرار دهید تا ازدواج کنم.

بعضی افراد خوش فکر و خوش همت هستند. شخصی در بیابان نسبت به پیغمبر اکرم خوبی کرده بود و زمانی که به مدینه آمد، نزد حضرت آمد. حضرت به او فرمود: هرچه بخواهی من در اختیار تو قرار می‌دهم. مرد عرب تعدادی احشام خواست و حضرت در اختیار او قرار داد.

وقتی که مرد عرب رفت، حضرت به اصحاب فرمود: ای کاش همت مرد عرب به اندازه همت پیرزن بنی اسرائیل بود. اصحاب عرضه داشتند: یا رسول الله کدام پیرزن بنی اسرائیل؟

رسول اکرم فرمود: حضرت موسی به دنبال قبر حضرت یوسف یا تابوت مشهور می‌گشت تا او را به طرف بیت المقدس حمل کند. مردم به حضرت موسی خبر دادند که پیرزنی از محل قبر باخبر است.

پیرزن را نزد حضرت موسی آوردند و حضرت به او فرمود: می‌توانی قبر حضرت یوسف را به ما نشان بدهی؟

پیرزن گفت: به همین ارزانی خواسته تو را اجابت کنم؟ حضرت موسی فرمود: چه می‌خواهی؟

پیرزن گفت: من سه خواسته از تو دارم که اگر اجابت کردی قبر حضرت یوسف را به تو نشان خواهم داد، والا

خیر.

حضرت موسی فرمود: خواسته‌هایت چیست؟ پیرزن گفت: خواسته اول من این است که مرا تبدیل به یک دختر

چهارده ساله کنی. حضرت موسی از خداوند خواست و پیرزن جوان شد، سپس به او فرمود: خواسته دوم تو

چیست؟

پیرزن گفت: دومین خواسته من این است که مرا به عقد خودت دریاوری و همسر پیغمبر باشم. حضرت موسی

خواسته دوم او را هم اجابت کرد. پیرزن گفت: خواسته سوم من این است که در بهشت همسر تو باشم.

رسول اکرم فرمود: پیرزن بنی اسرائیل همت بالایی داشت که از پیغمبر اکرم چیزی درخواست می‌کند که از

دست دیگران ساخته نیست. ای کاش مرد عرب به اندازه پیرزن بنی اسرائیل بود، اما به تعدادی بز و گوسفند

قناعت کرد.

این شخص هم به حرم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) رفت و از حضرت درخواست کرد که وضع

زندگی‌اش بهتر شود!!

حضرت به او فرمود: حاجت اول تو که مربوط به صاحبکار توست، برآورده نیست، اما حاجت دوم و سوم تو

برآورده است. پیشکار عرضه داشت: آقا جان! حاجت دوم و سوم را نمی‌خواهم، اما حاجت اول مرا برآورده کنید

تا او از بین برود. زجر می‌کشم وقتی به شما توهین می‌کند.

حضرت امیرالمؤمنین فرمود: اصرار نکن. پیشکار گفت: دلیل آن چیست؟ حضرت فرمود: او با تمام اهانت‌ها و جسارتی که به من دارد، وقتی از کنار حرم من رد می‌شود بی‌اختیار سرش را خم می‌کند و در برابر حرم و گنبد من تعظیم می‌کند. او همین قدر در گردن من حق دارد. نمی‌خواهم او به نفرین من دچار شود و برای همیشه گرفتار شود.

پیشکار می‌گوید: من از خواب بیدار شدم و بسیار ناراحت به خانه آمدم، به طوری که دیگر توان حرف زدن نداشتم. ارباب من گفت: من که تکان نخوردم. پس علی جواب تو را نداد؟ حرفی بزن.

جوان شروع به گریه کرد و قضیه خواب خود را گفت. اشک از چشمان اربابش سرازیر شد و گفت: معلوم است علی بن ابی طالب خیلی مرد است. هیچ احدی حتی اهل و عیال من خبر ندارد که من وقتی از جلوی حرم علی بن ابی طالب رد می‌شوم، بر او سلام می‌دهم.

معلوم می‌شود بزرگواری علی به حدی است که حتی من که به او بد و بیراه می‌گویم، اما در برابر گنبد و حرم آن بزرگوار سر خم می‌کنم را بی‌اجر و مزد نمی‌گذارد.

جوان! شاهد باش که من عمری اشتباه کردم. عمری گناه کردم و دل را سیاه کردم. شاهد باش که من الساعه شیعه می‌شوم و به امامت امیرالمؤمنین اعتقاد پیدا می‌کنم. حال که من شیعه هستم و تو هم شیعه هستی، ثروت زیادی دارم و عمرم بالا رفته است. خداوند به من یک دختر بیشتر نداده است. اگر اجازه بدهی دخترم را به عقد تو درآورم تا دو نفری کار کنید و زندگی خود را سروسامان بدهید.

امیرالمؤمنین هم دنیا را تضمین می‌کند و هم آخرت را! در این غدیر برای امیرالمؤمنین چقدر سرمایه‌گذاری می‌کنید؟ حتی اگر قربتا الی الله نباشد و قربتا الی الانفس هم شود، عاقل کسی است که برای امیرالمؤمنین کار کند.

عاقل کسی است که شبانه روز تلاش خود را برای امیرالمؤمنین بگذارد. در این غدیر چکار می‌خواهید کنید؟  
وقتی که شب نوزدهم ذی الحجه رسید، زیارت امین الله بخوانید و بگویید: علی جان! برای تو این کارها را کردم.  
گزارش بدهید و ببینید چند کار خوب انجام دادید.

### فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، بزرگ مدافع حریم ولایت

به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) سلام بدهید و بگویید: زهراجان! برای امیرالمؤمنین این کارها را کردم. به امام زمان (ارواحنا فداه) سلام بدهید و بگویید: یابن الحسن! برای جد مبارکت این کارها را کردم.  
تلاش کنید ارتباطتان را در این غدیر با امیرالمؤمنین بیشتر کنید و زندگی خود را با ولای امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا گره بزنید. حضرت زهرا مرضیه تمام هستی خود را برای امیرالمؤمنین گذاشتند.  
خطبه‌هایی که حضرت فاطمه زهرا خواندند در کتب شیعه و سنی را بررسی کنید. اولین و آخرین سخن حضرت فاطمه زهرا دفاع از غدیر است.  
منابع اهل سنت را مطالعه کنید. یکی از حساس‌ترین و باصفا‌ترین و پرمغزترین فزار خطبه حضرت فاطمه زهرا چنین است:

«وَهَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا»

آیا پدرم روز غدیر خم برای کسی عذری گذاشت؟

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۲۲۸

حضرت در فراز دیگری می‌فرمایند:



«أنسيتم قول رسول الله يوم غدیر خمّ: من كنت مولاة فعلى مولاة؟!»

آیا سخن رسول الله در غدیر خم را فراموش کردید که فرمود: هرکسی من مولاى اویم، على مولاى اوست؟!

عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد، نویسنده: بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ج ۱۱، ص ۸۷۷، ح ۶۷

مشاهده کنید حضرت صدیقه طاهره شهیده راه غدیر است. حضرت صدیقه طاهره اولین مدافع و اولین شهیده راه غدیر است.

این عبارت ما نیست، بلکه عبارت «ابن قتیبه دینوری» یکی از علمای بزرگ اهل سنت است که می نویسد: وقتی على بن أبی طالب را به مسجد آوردند، دومی درخواست کرد که حضرت بیعت کند. خدا می داند وقتی این مطالب را می بینم، قلبم آتش می گیرد. امیرالمؤمنین فاتح بدر و حنین؛ فاتح احزاب و خیبر؛ على که مردم تا به آن روز، جز «فتح»، در مورد او چیزی ندیدند، چنین آزاری می بیند. به قول خلیفه دوم اهل سنت که می گوید:

«و الله لو لا سيفه لما قام عمود الإسلام»

اگر شمشیر على نبود، پرچم اسلام برافراشته نمی شد.

شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، نویسنده: ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۱۲، ص ۸۲، باب نکت من کلام عمر و سیرته و أخلاقه

«ابن قتیبه دینوری» در کتاب «الإمامة و السیاسة» می نویسد که خلیفه دوم به امیرالمؤمنین می گوید:

«بايع»

با ابوبکر بیعت کن.

«فقال إن أنا لم أفعل فمه»

امیرالمؤمنین می فرماید: اگر بیعت نکنم چکار می کنی؟

«قالوا إذا والله الذي لا إله إلا هو نضرب عنقك»

خلیفه دوم گفت: قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، گردنت را می زنم.

اشک از چشمان امیرالمؤمنین سرازیر شد، رو به قبر رسول گرامی اسلام کردند و فرمودند:

«يا بن أم إن القوم استضعفوني وكادوا يقتلونني»

الإمامة والسياسة، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت - ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م، تحقيق: خليل المنصور؛ ج ١، ص ١٦، باب إباية على كرم الله وجهه

بيعة أبي بكر رضي الله عنهما

وقتی حضرت صدیقه طاهره این منظره را دیدند، گوشه چادرشان را گرفتند و دست به نفرین بلند کردند.

«سلمان» می گوید: به خدا سوگند دیدم که ستون های مسجد حرکت کرد. حضرت امیرالمؤمنین فرمود: سلمان!

زهرا را دریاب!

«سلمان» می گوید نزد حضرت فاطمه زهرا رفتم و عرضه داشتم: یا بنت رسول الله! اگر نفرین کنی یک جنبنده

در کره زمین زنده نمی ماند.

حضرت فاطمه زهرا فرمود: سلمان ببین که با علی چکار می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند فرزندان مرا یتیم کنند. من گفتم: امیرالمؤمنین مرا فرستاد تا شما را از نفرین کردن بازدارم. حضرت فاطمه زهرا فرمودند: اگر علی تو را فرستاد، تسلیم او هستم.

حضرت فاطمه زهرا دست امیرالمؤمنین را گرفتند، به خانه آوردند. علی دوست‌ها ببینید که حضرت فاطمه زهرا چطور در خدمت ولایت بودند و اینطور علی‌شناس و مدافع امیرالمؤمنین باشید. فرمود:

«يا اَبَالحَسَنِ نَفْسِي لِئَنْفِيسِكَ الْوَقَا، رُوحي لِرُوحيكَ الْفِدَاءُ اِنْ كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ و اِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ»

علی جان، جانم فدای جان تو و جان و روح من سپر بلای جان تو. یا ابالحسن! همواره با تو خواهم بود؛ اگر تو در خیر و نیکی به سر می‌بری، با تو خواهم زیست و اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم بود.

نهج الحیاه، ص ۱۴۷، ح ۷۵، به نقل از الکواکب الدرّی، ج ۱، ص ۱۹۶

آیا ما در این ایام این چنین هستیم یا نیستیم؟ حضرت فاطمه زهرا تمام هستی خود را برای دفاع از امیرالمؤمنین گذاشت.

گرچه ایام دهه ولایت است و شایسته روضه خواندن نیست، اما نام حضرت فاطمه زهرا به میان آمد. بگذارید در خانه حضرت صدیقه طاهره برویم و توسل داشته باشیم و از همه عزیزان التماس دعا کنیم.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: درست است که کربلا بسیار جانسوز است، اما روزی که به خانه مادرمان حمله کردند از کربلا دردناک‌تر است.

حضرت امیرالمؤمنین از اتاق بیرون آمدند و دیدند که حضرت زهراى مرضیه پشت در بر زمین افتاده است.  
حضرت فرمودند:

«یا بنت رسول الله یالیتنى ضربت مکانک، یالیتنى مت قبل هذا»

ای کاش من در اینجا کتک می‌خوردم. ای کاش علی مرده بود و این منظره را ندیده بود.

زبانحال حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) چنین است:

روز روشن خانه‌ام را از جفا آتش زدند

این چنین بی‌حرمتی با خانه اعداء نشد

همسری چون من به راه شوهر خود جان نداد

کودکی چون محسنم قربانی بابا نشد

ای قلم بنویس، ای تاریخ در خود ثبت کن

یک نفر در موج دشمن حامی زهرا نشد

على لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أى منقلب ينقلبون

نسئلك اللهم و ندعوك باسمك الأعظم الأعز الأجل الأكرم بحق فاطمة و أبيها و بعلمها و بنىها و سرّ المستودع

فىها يا الله يا الله يا الله...

خدایا به حق حضرت زهراى مرضیه هرچه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم

بیوشان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب

جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری را موفق و مؤید بدار. خدایا بر تمام مجاهدین ما در سراسر جهان به ویژه مجاهدین ما در یمن پیروزی و نصرت نهایی کرم بفرما.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج حاجت مندان روا نما. خدایا به آبروی حضرت زهراى مرضیه حوائج جمع ما را برآورده نما. خدایا مشکلات ما را برطرف ساز. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل و دو یادگارش صلوات.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته